

دستانی که صدای سکوت را به افق‌ها می‌رسانند

هر سال برابر سی ام سپتامبر، «روز جهانی ناشنویان» نام‌گذاری شده است؛ اما چگونه می‌توان این روز را به مظلوم‌ترین و مغفول‌ترین قشر معلولان جامعه ایرانی تبریک گفت در حالی که به حداقل حقوق خود حتی در مقایسه با سایر معلولیت‌ها هم نرسیده‌اند؟



نهم مهر هر سال برابر سی ام سپتامبر، «روز جهانی ناشنویان» نام‌گذاری شده است؛ اما چگونه می‌توان این روز را به مظلوم‌ترین و مغفول‌ترین قشر معلولان جامعه ایرانی تبریک گفت در حالی که به حداقل حقوق خود حتی در مقایسه با سایر معلولیت‌ها هم نرسیده‌اند؟

به گزارش سرویس اجتماعی نصر، از جامعه ناشنویان حرف می‌زنیم. جامعه‌ای که این روزها بیش از گذشته تشنه دستیابی به اطلاعات درباره ویروسی هستند که به سلامتی آن‌ها نیز مرتبط است. درحالی‌که همه ما به راحتی و شسته رفته به این اطلاعات دست پیدا می‌کنیم، خیلی از آن‌ها نسبت به شیوه اطلاع‌رسانی صدا و سیما برای جامعه ناشنویان معترض هستند.

در یکی از ایستگاه‌های تاکسی تبریز، دختری میانسال علاوه بر ماسکی که بر صورت دارد، تکه کاغذی نیز در دست دارد که به رانندگان تاکسی نشان می‌دهد؛ با نزدیک شدن به وی می‌فهمم که قدرت تکلم و شنوایی ندارد. وی بی‌توجه به بوق زدن‌های گاه و بی‌گاه رانندگان، تنها به فکر اشاره تاکسی‌ها برای رساندن وی به آدرس نوشته شده بر روی تکه کاغذی است که در دست دارد.

نزدیک‌تر که می‌روم "میدان ساعت" تنها کلمه‌ای است که بر روی کاغذ نوشته شده است... ماشین‌ها می‌آیند و می‌روند و او همچنان ساکت و خاموش منتظر ایستاده است.

خستگی و کلافگی از سر و رویش می‌بارد، دست در کیفش می‌کند و آدرس دیگری را بیرون می‌آورد، "چهار راه شریعتی"؛ با او هم مسیر می‌شوم، تاکسی که توقف می‌کند با عجله در صندلی جلو تاکسی نشست و لبخند رضایت بر لبانش نشست؛ دستانش را همراه با لبخند به حالت سلام بلند می‌کند، لبخند در صورت راننده نقش می‌بندد و در انتهای مسیر من از او جدا می‌شوم و او را با دنیای پر از سکوتش رها می‌کنم...

با خود فکر کردم وقتی او چشم‌های زیبا و آبی‌اش را به روی دنیای خاکی باز کرد، بی‌شک در آبی نگاهش هیچ چیز آشنا نبود؛ همه چیز آنقدر بیگانه بود که حتی نمی‌دانست مردمان خاکی این دنیا با او تفاوت دارند. دنیای دریایی‌اش پر از سکوت بود و زبانش ناتوان از گفتن کلامی!

دنیای پرهیاهوی آدم‌ها برایش عجیب بود و دنیای آرام و بی‌صدای او برای اطرافیانش عجیب‌تر! به صراحت چه زیبا خودش را با دنیای ناشناخته انسان‌های اطرافش که در بین سر و صداها گم شده بودند، آشنا کرده است، دنیای پرهیاهوی آدم‌هایی که برایش غریبه بود، غریبه‌ای که هیچ‌کس زبانش را نمی‌فهمید اما با وجود همه این غریبی‌ها خودش را با بقیه به خوبی وفق داده بود دریغ از آنکه مردم همان دنیای بزرگ‌اش، کوچکترین اهمیتی به او و خواسته‌هایش قائل شود.

ناشنوا همان انسانی است که در گذر زمان غرق می‌شود و در دنیای سکوت خویش عمق محبت را لمس می‌کند و عشق به هستی در اعماق نگاهشان متبلور است. او همان انسانی است که خنده‌هایش بی‌صداست و فقط آهنگ کلام‌اش به افق‌ها می‌رسد.

به راستی این افراد اگرچه به لحاظ شنوایی و گفتاری مشکل دارند اما از چنان قدرتی برخوردار هستند که صدای سکوت را می‌شنوند؛ خداوند گرچه از بعضی‌ها نعمت شنیدن، دیدن، حرف زدن و... را می‌گیرد ولی در عوض قدرت‌ها و توانمندی‌های فراوان و گسترده‌ای را هدیه می‌بخشد که به راستی می‌توان گفت این پاک‌زیستان، توانمندان راستین روزگاران هستند.

ناشنویان در دنیای سکوتشان لبریز از پیام و کلام‌گویا هستند

مدیر کل بهزیستی آذربایجان شرقی ضمن تبریک روز جهانی ناشنویان را به کلیه انجمن‌ها و کانون‌های صنفی جامعه پویای ناشنویان، با بیان اینکه ناشنویان در دنیای سکوتشان لبریز از پیام و کلام‌گویا هستند، اظهار کرد: روز جهانی ناشنویان و کم‌شنوایان، یادآور تلاش‌های بی‌شائبه و ماندگار نخستین آموزگار گل‌های خاموش؛ بنیانگذار اولین کودکان و مدرسه ناشنویان؛ زنده یاد "جبار باغچه‌بان" فرصت‌غنی‌مندی است تا با پیام "تایید مجدد حقوق ناشنویان"، خلایق‌ها و توانمندی‌های منحصر بفرد آنان به منصف ظهور و بروز برسد.

"فرگل صحاف" افزود: ناشنویان با نگاه تیزبین به هستی، با دست‌ها و اشاره‌های هنرمندانه و دنیای پر از سکوت، لبریز از پیام و کلام‌گویا هستند و حضور پررنگ آنان در جامعه، حکایت از اثبات توانمندی‌ها و شایستگی‌ها داشته و بدین صورت پیام سکوت پرمعناي خویش را به زیبایی و هنرمندانه بیان می‌نمایند.

وی ابراز کرد: اینجانب روز جهانی ناشنوایان را به تمامی ناشنوایان و خانواده های ارجمند، مراکز، کانون ها و تشکل های صنفی مربوطه تبریک و تهنیت عرض نموده، امیدوارم با تکیه بر همت و مشارکت جدی یکایک عزیزان، شاهد ارتباط گویا و موثر و حضور فعال آنان در جامعه باشیم.

بی توجهی رسانه ها به رعایت استاندارد های زبان اشاره در روزهای بحران کرونایی "زهرا" عضو جامعه ناشنوایان تبریز است. وی این روزها نسبت به اطلاع رسانی از سوی رسانه ها به ویژه صدا و سیما درخصوص بیماری کرونا بسیار گله مند است. از طریق چت کردن با ثمین به گفت وگو می نشینم. وی می گوید: این روزها همه دنبال اطلاعات مربوط به ویروس کرونا هستند اما ما اطلاعات کرونا را از کجا متوجه بشویم؟ مترجم ناشنوایان که مسئول گزارش اخبار برای ناشنوایان است، به درستی اشاره نمی کند و ما نیز متوجه نمی شویم. وی ادامه داد: تلویزیون نیز زیرنویس درست حسابی ندارد. برنامه هایی که مترجم دارد نیز به زبان اشاره استاندارد اشاره می کند درحالی که ترجمه باید به زبان اشاره طبیعی باشد تا ما ناشنوایان متوجه شویم. این عضو جامعه ناشنوایان تبریز تصریح کرد: برنامه ها برای افراد ناشنوا و کودکانی که ناشنوا هستند مناسب سازی نشده است. خیلی از ما نمی دانیم چطور برای حفاظت از جانمان بهداشت را رعایت کنیم. چرا که برنامه ای برای ما در نظر گرفته نشده است.

افراد شنوا با زبان اشاره آشنا نیستند

یک ناشنوای دیگر نیز که نخواست نامش درج شود، درباره زبان اشاره به خبرنگار نصر گفت: هنگام صحبت در اماکن عمومی با نگاه بد توسط دیگران مواجه می شود و صحبت ناشنوایان با یکدیگر توجه دیگران را به خود جلب می کند. وی افزود: مدارس ناشنوایان نه معلم، نه مربی حرفه ای و نه امکانات آموزشی دارد. من تا مقطع دیپلم در مدارس معمولی درس خواندم و مسئولان خیر ندارند مدارس ناشنوایان تا چه حد بی کیفیت هستند. وی ابراز کرد: مشکل دیگر ناشنوایان در حوزه آموزشی این است که هنگام تدریس، آنان با افراد شنوایی روبرو هستند که با زبان اشاره و لب خوانی آشنا نیستند. متاسفانه این افراد تصور می کنند هر کس مشکل شنوایی دارد، باید بلند حرف بزنند و نمی دانند که باید شمرده حرف بزنند.

زبان اشاره در مدارس استثنایی تدریس نمی شود

فاطمه عابدی فرد که مترجم زبان اشاره است، درباره مشکلات نبود زبان اشاره همسان برای افراد ناشنوا اظهار کرد: با اینکه ایران به عضویت کنوانسیون جهانی معلولان درآمده و در این کنوانسیون آمده است که «زبان اشاره» باید به رسمیت شناخته شود اما هنوز در ایران استفاده از این زبان در مدارس آموزش و پرورش استثنایی غیرقانونی است و این درحالی است که زبان اشاره، زبان رسمی ناشنوایان است. وی افزود: یکی از دلایلی که مسئولان سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در توجیه عدم استفاده از زبان اشاره در مدارس استثنایی مطرح می کنند آن است که فرد ناشنوا خارج از مدرسه بتواند با افراد عادی ارتباط برقرار کند؛ این در حالی است که دانستن زبان اشاره توسط افراد ناشنوا با برقراری ارتباط آن ها با سایر افراد جامعه هیچ مغایرتی ندارد. عابدی فرد ابراز کرد: زبان اشاره ارتباط فرد ناشنوا با دیگران را تسهیل می کند. زیرا این زبان، زبانی است که حتی انسان های اولیه هم از آن استفاده می کردند و حتی امروزه افراد عادی هم در صورت عدم تسلط به زبان سایر کشورهای دنیا با استفاده از اشارات مفاهیم موردنظر خود را منتقل می کنند، اما مسئولان سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور این مساله را نمی پذیرند.

وی گفت: مسئولان سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور اگر ادعا می کنند که زبان اشاره در مدارس استثنایی استفاده می شود، اعلام کنند که چند درصد از معلمان مدارس ناشنوایان به زبان اشاره تسلط دارند؟! به گزارش نصر، شاید برای اغلب ما سکوت نشانه اعتراض یا نوعی پاسخ معنادار به شرایط خاص باشد، اما برای عده ای دیگر که از نعمت شنوایی و حتی گویش محروم هستند، سکوت تقدیری است که حتی صدای اعتراض آن را کسی نمی شنود.

اگر از نعمت شنوایی محروم باشیم، هرچند آموختن برای ما ناممکن نمی شود، ولی بسیار دشوار است. پس توجه به این نعمت بزرگ الهی که یکی از راه های بسیار مهم آموختن و فهمیدن است، جای سپاس را پیش می آورد و تصور نبود آن کافی است تا به ارزش آن پی ببریم.

نهم مهر هر سال برابر سی &rlm نام سپتامبر، «روز جهانی ناشنوایان» نام &rlm گذاری شده است. هدف از این نام &rlm گذاری، ارتقای فرهنگ ارتباط با ناشنوایان، دانسته &rlm هایی از زبان اشاره و آگاهی سیاست &rlm مداران و هم چنین عموم مردم از مشکلاتی است که این قشر با آن رو به رو هستند؛ اما چگونه می توان این روز را به مظلوم ترین و مغفول ترین قشر معلولان جامعه ایرانی تبریک گفت در حالی که به حداقل حقوق خود حتی در مقایسه با سایر معلولیت ها هم نرسیده اند؟ این مهم را حتی می شود از آمار جمعیت ناشنوایان هم فهمید.

با اینکه قانون حمایت از حقوق معلولان تازه به تصویب رسیده اما زبان اشاره که زبان مادری ناشنوایان است در این قانون

وجود نداشته و به رسمیت شناخته نشده است؛ وقتی زبان اشاره این قشر را به رسمیت نشناسند، چگونه می‌توانند ادعا کنند که حداقل حقوق انسانی این افراد را رعایت کرده‌اند؟ چگونه می‌توانند ادعا کنند که ناشنوایان به حداقل فرصت‌ها دست یافته‌اند؟

ناشنوایی معلولیت پنهان است و از نظر کارشناسان جز پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین معلولیت‌ها است؛ بنابراین لازم و ضروری است تا بیشتر به آن توجه شود اما در کمال تأسف نه تنها توجهی به آن نمی‌شود بلکه مورد تبعیض مضاعف نیز واقع شده است.

ناشنوایان از رسانه ملی محروم هستند و هیچکس پاسخگوی این محرومیت نیست. در مدارس استثنایی زبان مادری ناشنوایان تدریس نمی‌شود و آنان مجبورند زبان مادری خود را در آموزشگاه‌های آزاد با پرداخت هزینه سنگین که برای خیلی از خانواده‌ها نیز ممکن نیست یاد بگیرند!

در سازمان‌ها، ارگان‌ها، ادارات دولتی و خصوصی، مراکز قضائی، مراکز درمانی، آموزشی، هنری، ورزشی و ... هر جایی که کار هر انسانی به آنجا می‌افتد رابط یا مترجم زبان اشاره وجود ندارد و ناشنوایان دچار مشکلات عدیده‌ای در مراجعه به آن‌ها هستند.

در صورت وقوع تصادف یا حوادثی نظیر آتش‌سوزی، درگیری، اورژانس، نیاز به مأموران انتظامی و ... سامانه‌ای جهت ناشنوایان وجود ندارد تا با این قشر ارتباط برقرار نموده و مشکل خود را گزارش دهند.

سمعک و کاشت حلزون بسیار گران هستند و هر چند از آغاز سال ۹۷ قرار بر کاشت رایگان حلزون برای کودکان زیر شش سال بود اما متأسفانه افرادی با سن بالاتر از این خدمات محروم هستند و یا گاهی کودکانی که حلزون کاشت کرده‌اند به دلیل مشکل در تامین هزینه‌های تعمیر و تعویض قطعات دستگاه، مجدد دچار ناشنوایی شده‌اند.

نوبت دریافت سمعک‌های به‌زیستی طولانی است و به دلیل ارزانی کیفیت خوبی نداشته و گزارشاتی مبنی بر افت شنوایی افراد بر اثر استفاده از این سمعک‌ها به گوش می‌رسد.

در بحث استخدام و اشتغال ناشنوایان هم مانند موارد بالا آمار از اشتغال و استخدام آنان وجود ندارد و بیکاری جزء اولین و مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های ناشنوایان است.

دستورالعملی برای مراکز آموزشی عالی و مدارس برای برخورد و رفتار با ناشنوایان وجود ندارد یا به آن‌ها اعتنایی نمی‌شود. اساتید نسبت به دانشجویان ناشنوا بی‌توجه‌اند و دانشجویان مانند سایرین نمی‌توانند بهره کامل را از کلاس‌های آموزشی ببرند.

در بسیاری از اماکن عمومی تابلوهای راهنمایی وجود ندارد و ناشنوایان سردرگم می‌شوند، سینماها برنامه‌ای برای نمایش فیلم با زیرنویس یا زبان اشاره برای ناشنوایان ندارند.

ناشنوایان و سایر معلولان سهمی در کتاب‌های درسی و بیلبردهای شهری جهت آگاهی رسانی و فرهنگ‌سازی ندارند و مردم در مواجهه با معلولان به ویژه ناشنوایان نمی‌دانند چگونه ارتباط برقرار نمایند و رفتار کنند.

ناشنوایان همچون سایر اقشار جامعه مالیات پرداخت می‌کنند ولی خدماتی در قبال آن دریافت نمی‌کنند. زبان اشاره فرصتی است که ناشنوایان نیز همانند همه افراد جامعه با شرایط یکسان با دیگر افراد جامعه به خدمات

مختلف تحصیلی، شغلی و ... دسترسی داشته و از حقوق شهروندی خود برخوردار باشند.

در کنوانسیون حقوق معلولان به این موضوع اشاره دارد که دسترسی به زبان اشاره و دسترسی داشتن به خدماتی که با این زبان ارائه می‌شود از جمله دسترسی به آموزش به زبان اشاره، برای رشد و پیشرفت ناشنوایان و دستیابی به «اهداف توسعه» پذیرفته شده در سطح بین‌الملل لازم و ضروری است.

افراد ناشنوا استثنا هستند و در داشتن دو دیدگاه معلولیت و اقلیت‌های زبانی منحصر به فرد می‌باشند و با زبان اشاره و فرهنگ ناشنوایان، موجب به تقویت چندزبانه خود هستند و این به معنی ترویج، حفاظت و حفظ تنوع زبان‌ها و فرهنگ‌ها در سطح جهانی است.

زبان‌های اشاره، زبان‌های طبیعی تکامل یافته هستند که از لحاظ ساختاری متمایز از زبان‌های گفتاری هستند که در کنار هم قرار می‌گیرند. زبان اشاره به عنوان یک پیش‌نیاز حیاتی برای تحقق کامل حقوق بشر برای جامعه ناشنوایان است.

"جبار باغچه بان" در سال 1264 خورشیدی در ایروان متولد شد و در سال 1303 اولین کودکستان ایرانی در تبریز را با نام باغچه اطفال تأسیس کرد. از همان زمان نام فامیل خود را از عسکرزاده به باغچه بان تغییر داد.

باغچه بان در سال 1312 خورشیدی به تهران آمد و دبستان ناشنوایان را در تهران تأسیس کرد و در همان سال دستگاهی اختراع کرد که ناشنوایان از طریق دندان و حس استخوانی قادر به شنیدن می‌شدند؛ این دستگاه پس از تکمیل شدن به نام تلفن گنگ در اداره ثبت اختراعات به تاریخ 22 بهمن 1312 به شماره 118 به ثبت رسید.

وی در سال 1322 جمعیتی به نام جمعیت حمایت از کودکان کرولال را تأسیس کرد و طی سال‌ها تعلیم و تربیت به این کودکان، به روشی دست‌یافت که امروز آن را روش ترکیبی می‌گویند؛ باغچه بان در غروب روز چهارم آذر 1345 در سن 82 سالگی چشم از جهان فرو بست.

گزارش نصر حاکی از آن است که حقوق تضییع شده این قشر خاموش بسیار است و نوشتن از آن دردی از آنان دوا نمی‌کند و لازم است مسئولین و همچنین مردم نسبت به حقوق ناشنوایان آگاه باشند تا نه فقط در طول یک هفته و نه فقط با

شعارهای خوب بلکه همیشه در فعالیت های اجتماعی و در مواجهه با هر تریبونی پیگیر مطالبات به حق و قانونی و همچنین صدای فریاد حق خواهی ناشنویان باشند.

گزارش از سحر مغفرت